

تحلیل کاربردهای فعل «کاد» در قرآن کریم با نگاهی به آرای

مفسران

(مطالعه مورد پژوهانه عبارت «أَكَادُ أَخْفِيهَا»)

علی سلیمی^{۱*}، شهریار همتی^۲، محمدنبی احمدی^۳

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی - کرمانشاه

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی - کرمانشاه

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی - کرمانشاه

دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۷/۱۷

چکیده

مفسران، عبارت «أَكَادُ أَخْفِيهَا» در سوره شریفه «طه» را به معانی مختلف تفسیر نموده‌اند. برخی فعل «أَكَاد» در این آیه را به معنای «آرید» گرفته، عبارت را به معنای «می‌خواهم پنهان کنم» ترجمه نموده‌اند و حتی گاهی کاربرد فعل «كاد» را بیانگر شدت کتمان شمرده‌اند. برخی دیگر برای حل مشکل، فعل «أَخْفِيهَا» را به معنای سلب در باب افعال و به معنای آشکار نمودن گرفته‌اند. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و با تأملی در کاربردهای فعل «كاد» در زبان عربی و در قرآن کریم، این موضوع را بررسی نموده است. در این پژوهش نظر برخی از نحوی‌ها و بعضی از مفسران درباره کاربردهای فعل «كاد» و آیه مورد بحث واکاوی شده است و کوشش شده به این پرسش پاسخ داده شود که براساس کاربردهای فعل «كاد»، کدام برداشت از این آیه شریفه، مناسب‌تر است و با مجموعه آیات دیگر هماهنگی بیشتری دارد؟ نتایج به دست آمده از این پژوهش، گویای آن است که فعل «كاد» در این آیه شریفه، همان معنای متداول «كاد» در زبان عربی را دارد که در حالت مثبت، عدم وقوع فعل و در حالت منفی، وقوع آن به سختی را بیان می‌کند. به نظر می‌رسد با توجه به کاربردهای این فعل در زبان عربی و در قرآن کریم، در تقدیر گرفتن معانی دور از ذهن برای آن در این آیه شریفه، غیر قابل توجیه است و با زبان قرآن سازگاری ندارد. واژگان کلیدی: نحو عربی، افعال مقاربه، «كاد» در قرآن کریم، أَكَادُ أَخْفِيهَا.

۱- مقدمه

مفسران همواره در تفسیر آیات قرآن کریم، شیوه‌های گوناگونی داشته‌اند و این تنوع نگاه‌ها و روش‌ها، امری طبیعی به نظر می‌رسد. هرکس در این دریای بیکران الهی، در پی یافتن گمشده خود می‌باشد. نحوی‌ها، اهل بلاغت و لغت‌شناسان بیشتر از منظر نحو، بلاغت، واژگان و دیگر زیبایی‌های زبانی و هنری به قرآن پرداخته‌اند؛ فقیهان معمولاً حل مشکلات فقهی را از آن طلب می‌نموده‌اند؛ متکلمان با تکیه بر آن، پیوسته در پی حل و فصل گره‌های ذهنی خویش بوده‌اند؛ عرفا کوشیده‌اند با الهام از این سرچشمه زلال، عطش روحی خویش را سیراب کنند و به ویژه در دوران معاصر، تحولات علمی و اجتماعی جدید، موضوع‌های تازه‌ای به این مقوله‌های متنوع افزوده است که گریزی از آن نبوده و نیست.

اما آنچه در فهم قرآن کریم، در خور عنایت است و می‌تواند راه‌گشا باشد، تکیه بر خود قرآن برای فهم درست آیات آن است؛ زیرا قرآن خود بهترین مفسر است: «... كِتَابُ اللَّهِ يُبَصِّرُونَ بِهِ وَتُنطِقُونَ بِهِ وَتَسْمَعُونَ بِهِ وَيَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَيَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ...» (هَجِّ الْبَلَاغَةِ، خطبه ۱۳۳). شیوه‌ای که در دوران معاصر، مفسر بزرگ مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در پیش گرفته است. بر اساس این روش، در جاهایی که در فهم آیات اختلاف پدید می‌آید، مناسب‌ترین راه برای دستیابی به معنای درست، واریسی و ژرف-اندیشی در خود قرآن کریم است؛ زیرا این کتاب مقدس، خود بهترین داور برای حل اختلافات است که فرموده است: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء، ۸۲).

در این پژوهش، موضوعات زیر واکاوی شده‌اند:

- ۱- نظرات برخی از مفسران در باره آیه ۱۵ سوره «طه» به اجمال ذکر شده است.
- ۲- ضمن احصای موارد استعمال فعل «کاد» در قرآن کریم، کاربردهای متفاوت آن در زبان عربی مورد تحلیل قرار گرفته است.

۳- با الهام از اندیشه «خود تفسیری قرآن کریم» و کاوش در کاربردهای فعل «کاد»، کوشش شده به این پرسش پاسخ داده شود که بر اساس کاربردهای فعل «کاد» در زبان عربی و در قرآن کریم، کدام برداشت از این آیه شریفه، با قواعد زبان عربی و مجموعه آیات دیگر هماهنگی بیشتری دارد؟

۲. پیشینه تحقیق

در باره افعال مقاربه و فعل «کاد» در کتاب‌های نحوی قدیم و جدید به تفصیل بحث شده است، اما در مورد موضوع این مقاله و آیه مورد بحث در این مقاله، تا آنجایی که جست و جو شد، مطلبی به جز آن چه در تفاسیر با اختلاف نظر ذکر شده و در مقاله نیز به آن‌ها اشاره شد، یافت نگردید.

۳. کاربردهای فعل «کاد» در زبان عربی

فعل «کاد» که در اصطلاح نحوی‌ها فعل مقاربه نامیده می‌شود، به همراه افعال دیگر می‌آید و بر نزدیکی وقوع عمل دلالت می‌کند. و گاهی فعل همراه آن (به اصطلاح خبر آن) حذف می‌شود و در تقدیر است، مانند ضرب المثل: «من تأتی أصاب أو کاد»، و «من استعجل أخطأ أو کاد» (ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۲۵) که در اصل چنین بوده است: «کاد یصیب» و «کاد یخطئ».

این فعل به دو شکل مثبت یا منفی به کار می‌رود و بر مبنای قول مشهور در بین لغت شناسان و ادبای عربی، معنای مثبت آن، این است که حادثه با وجود نزدیکی تحقق، رخ نداده است. اما گونه منفی آن، معنایی خلاف این را افاده می‌کند و نشان می‌دهد که با وجود سختی و نزدیکی به عدم وقوع، فعل تحقق یافته است. راغب اصفهانی در این مورد می‌گوید: «کاد یفعل: إذ لم یکن قد فعل، وإذا کان معه حرف نفی، یكون لما قد وقع، ویكون قریباً من أن لا یكون» (راغب، ماده «کاد»). ابن منظور نیز در لسان عرب، همین مفهوم را با

عباراتی دیگر آورده است. او می‌نویسد: «کاد، وضعت لمقاربة الشيء فعل أو لم يفعل، فمجردة تنبي نفي الفعل، ومقرونة بالجد تنبي وقوع الفعل» (لسان العرب، مادة «کاد»). یعنی: «فعل «کاد» برای بیان نزدیکی امری وضع شده است، خواه انجام شود و خواه رخ ندهد. به تنهایی (بدون حرف نفی) معنای سلب وقوع فعل را می‌رساند و همراه با حرف نفی، بر وقوع دلالت دارد».

نحوی‌ها نیز از دیر زمان، همین برداشت را از فعل «کاد» داشته‌اند. ابن هشام به نظرات آنان اشاره می‌کند و می‌گوید: «قولهم إن كاد إثباتاً نفي ونفيها إثبات، فإذا قيل: كاد يفعل فمعناه أنه لم يفعل، وإذا قيل: لم يكد يفعل فمعناه أنه فعله» (ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۶۸). این معنا از فعل «کاد» در بین نحوی‌ها به حدی شهرت داشته است که ابوالعلاء المعری آن را به شکل یک چیستان درآورده است. ابن هشام معمای او را که در دو بیت بیان شده است، به شرح زیر ذکر می‌کند:

أ نحوي هذا العصر ما هي لفظة جرت في لسان جرهم وثمود
إذا استعملت في صورة الجحد أثبتت وإن أثبتت قامت مقام الجحود
(همان، ۸۶۸)

یعنی: «ای نحوی این زمانه، آن چه کلمه‌ای است که بر زبان «جرهم» و «ثمود» جاری بوده، اگر به صورت نفی به کار رود، معنای اثبات می‌دهد و اگر به شکل مثبت استعمال شود، افاده معنای نفی می‌کند؟».

غالب نحوی‌ها این معنای مشهور «کاد» را پذیرفته‌اند، چنان که سیوطی در بحث افعال مقاربه آورده است: «ک» «کان» فیما تقدم من العمل «کاد» لمقاربة حصول الخبر» یعنی: «کاد» در عمل (رفع اسم و نصب خبر) مانند «کان» است و برای نزدیکی وقوع خبر به کار می‌رود.

او سپس شعری به عنوان شاهد مثال ذکر می‌کند که از کاربرد فعل «کاد» در آن، معنای نزدیکی وقوع فعل استنباط می‌شود:

رسم عفی من بعد ما قد انحمی قد کان من طول البلی أن یمصحا
(سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۶۶-۱۶۴)

یعنی: «آثاری که پس از محو شدن به سبب فرسودگی طولانی، نزدیک است به طور کلی ناپدید شوند».

ابن هشام، در منفی دانستن خبر فعل «کاد» یک قدم از دیگران جلوتر رفته است. او در این زمینه سخن تازه‌ای می‌گوید و خبر «کاد» را -چه مثبت چه منفی- در همه حال منفی به شمار می‌آورد. وی این موضوع را در باب ششم مغنی اللیب با عنوان «فی التحذیر من أمور اشتهرت بین المعربین، والصواب خلافها» آورده است تا نشان دهد که به برداشت مشهور نحوی‌ها در مورد «کاد» یعنی - مثبت دانستن منفی آن و منفی شمردن مثبت آن - انتقاد دارد. او در این مورد می‌گوید: «الصواب أن حکمها حکم سائر الأفعال فی أن نفيها نفي وإثباتها إثبات، وبيانه: أن معناها المقاربة، ولا شك أن معنی «ما «کاد» یفعل» ما قارب الفعل، فخيرها منفي دائماً، أما إذا كانت منفية فواضح، لأنه إذا انتفت مقاربة الفعل، انتفي عقلاً حصول ذلك الفعل، ودليله ﴿إِذَا أَخْرَجَ يَدُهُ لَمْ يَكُذِّبْ بِرَأْسِهَا﴾ (نور، ۴۱) ولهذا كان أبلغ من أن يقال: «لم يرها» لأن من لم ير، قد يقارب الرؤية» (ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۸۶۹).

تفاوت دیدگاه ابن هشام با دیگر نحوی‌ها در ترجمه این آیه، مشهود است. براساس نظر نحوی‌ها درباره فعل «کاد» معنای آیه بدین شرح است: «هنگامی که دستش را بیرون آورد، تقریباً آن را نمی‌بیند (یعنی به سختی آن را می‌بیند). اما براساس برداشت ابن هشام که خبر فعل «کاد» را در همه حال منفی به شمار می‌آورد، ترجمه آیه این است: «هنگامی که دستش را بیرون آورد، نه تنها آن را نمی‌بیند، بلکه حتی نزدیک به این جایگاه هم نیست». از نظر ابن هشام، برخلاف دیگر نحوی‌ها، فعل «کاد» اگر به شکل منفی هم بیاید، نه تنها تحقق فعل را امکان پذیر ننموده است، بلکه آن را دورتر از امکان تحقق نموده است. بنا براین از نگاه وی، خبر «کاد» در شکل مثبت آن،

هر چند فعل به وقوع نییوسته است، اما نسبت به گونه منفی آن، به مقام وقوع نزدیک‌تر است.

متأسفانه ابن هشام، به آیه مورد بحث این مقاله (طه، ۱۵) نپرداخته، اما یقیناً بر مبنای نظر او که تحقق خبر «کاد» را در همه حال منتفی می‌داند، می‌توان حدس زد که بر اساس نظر وی، در «أكاد أخفيها» خبر منتفی است، بنا بر این تحلیل، برداشت ابن هشام از آیه نزدیک به نظر کسانی است که فعل «أخفيها» را از باب سلب معنای «إخفاء» و به معنای «أظهرها» گرفته‌اند.

۴. فعل «کاد» در قرآن کریم

«کاد» در قرآن کریم، ۲۴ بار به کار رفته است که در ۱۹ آیه به شکل مثبت و در ۵ آیه به صورت منفی استعمال شده است. در همه موارد مثبت، بر عدم وقوع فعل دلالت می‌کند، و برخلاف آن در همه موارد منفی، وقوع فعل را با سختی نشان می‌دهد. (همه آیاتی که فعل «کاد» - چه به شکل مثبت و چه شکل منفی - در آن‌ها به کار رفته است، در پی - نوشت مقاله ذکر شده‌اند).

۴-۱. موارد «کاد» مثبت و منفی

در نمونه مثبت آن مانند: ﴿وَكَاذُوا يَفْتُلُونِي فَلَا تُشْمِتُ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلَنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (اعراف، ۱۵۰). «نزدیک بود مرا بکشند». آیه مربوط به داستان حضرت موسی است و بر عدم وقوع فعل دلالت می‌کند. و نمونه دیگر آن عبارت است از: ﴿يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ﴾ (بقره ۲/۲۰). «برق نزدیک است بینایی آنان را برباید» (یعنی نربوده است).

و گونه منفی آن مثل: ﴿فَدَبَّحُوا مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ (بقره، ۷۱) در مورد قوم بنی اسرائیل است. یعنی: آنان گوساله را ذبح کردند، اما به سختی؛ نزدیک بود ذبح نکنند. و

نمونه‌های دیگر مانند: ﴿فَمَا لَهُؤْلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا﴾ (نساء، ۷۸). «این قوم را چه شده؟ تقریباً چیزی نمی‌فهمند» (به سختی اندکی می‌فهمند) (همه نمونه‌های مثبت و منفی آن در آیات، در پایان مقاله ذکر شده است).^۱

بر اساس نظر مشهور مفسران، اهل لغت و نحوین، «کاد» در همه موارد مثبت، بر عدم وقوع فعل دلالت می‌کند، اما در پنج آیه‌ای که به شکل منفی به کار رفته است، فعل سرانجام با سختی، کندی و با نزدیکی به عدم وقوع، تحقق یافته است؛ اما بر مبنای نظریه ابن هشام که وقوع خبر «کاد» را در همه حال منتفی می‌داند، در این موارد هم خبر «کاد» افاده نفی می‌کند. او در اثبات نظر خود آیه شریفه: ﴿فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ (بقره، ۷۱) را ذکر می‌کند و در پاسخ به نحوین می‌گوید: «﴿وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ مع أنهم قد فعلوا إذ المراد بالفعل الذبح و قد قال تعالى ﴿فَذَبْحُوهَا﴾ فالجواب أنه إخبار عن حالهم في أول الأمر فإتّهم كانوا أولاً بعداء من ذبحها، بدليل ما يتلى علينا من تعنتهم و تكرر سؤالهم ولما كثر استعمال مثل هذا فيمن انتفت عنه مقارنة الفعل أولاً ثم فعله بعد ذلك، توهم من توهم أن هذا الفعل بعينه هو الدالّ على حصول ذلك الفعل بعينه وليس كذلك وإنما فهم حصول الفعل من دليل آخر كما فهم في الآية من قوله تعالى ﴿فَذَبْحُوهَا﴾» (ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۶۹).

۵. نظر مفسران در معنای عبارت (أَكَادُ أُخْفِيهَا)

بیشتر مفسران معنای عبارت ﴿أَكَادُ أُخْفِيهَا﴾ در آیه شریفه: ﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا تُتَجَرَّى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى﴾ (طه، ۱۵) را «می‌خواهم مخفی کنم یا حتماً مخفی می‌کنم» دانسته‌اند و حتی بعضی از آنان، آن را کنایه از شدت کتمان ترجمه نموده‌اند؛ به گونه‌ای که گاهی آن را در معنای «حتی از خود نیز پنهانش می‌دارم» به شمار آورده‌اند؛ اسلوبی که در ادبیات دوران جاهلی، برای بیان مبالغه در پنهان‌کاری به کار می‌رفته است.

طبری معانی گوناگونی برای آیه نقل می‌کند و در این میان، شدت کتمان را بر همه آن‌ها ترجیح می‌دهد و می‌گوید: «وَأَمَّا وَجْهَ صِحَّةِ الْقَوْلِ فِي ذَلِكَ، فَهُوَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ خَاطِبًا بِالْقُرْآنِ الْعَرَبِ عَلِيٍّ مَا يَعْرِفُونَهُ مِنْ كَلَامِهِمْ وَجَرَى بِهِ خَطَابِهِمْ بَيْنَهُمْ، فَلَمَّا كَانَ مَعْرُوفًا فِي كَلَامِهِمْ أَنْ يَقُولَ أَحَدُهُمْ إِذَا أَرَادَ الْمُبَالَغَةَ فِي الْخَبَرِ عَنْ إِخْفَائِهِ شَيْئًا هُوَ لَهُ مَسْرٌ: قَدْ كَدتْ أَنْ أَخْفِي هَذَا الْأَمْرَ عَنْ نَفْسِي مِنْ شِدَّةِ اسْتِسْرَارِي بِهِ، وَلَوْ قَدَرْتُ أَخْفِيهِ عَنْ نَفْسِي أَخْفَيْتَهُ، ...» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶: ۱۱۵). یعنی: دلیل درستی این برداشت (شدت کتمان) آن است که خداوند متعال با عرب‌ها به زبان خود آن‌ها و آن چه در میان آن‌ها مرسوم بوده، سخن گفته است. چنان که در میان آن‌ها متداول بوده که اگر شخصی می‌خواست در پنهان کردن خبر خوشحال کننده‌ای مبالغه کند، می‌گفت: به سبب میل شدید به پنهان ماندن این امر، نزدیک بود آن را از خود نیز، مخفی کنم و اگر می‌توانستم این کار را می‌کردم.

زمخشری نیز در کشاف دو وجه مشهور «شدت کتمان» و «معنای سلب» را محتمل می‌داند و می‌گوید: «أَيُّ أَكَادٍ أَخْفِيهَا فَلَا أَقُولُ هِيَ آتِيَةٌ لِفِرْطٍ إِرَادِيٍّ إِخْفَاءِهَا وَلَوْلَا مَا فِي الْإِخْبَارِ بِأَيَّانِهَا مَعَ تَعَمُّيَّةٍ وَقْتَهَا مِنَ اللَّطْفِ لَمَا أَخْبَرْتُ بِهِ» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۶). یعنی «پنهانش سازم، به دلیل میل شدید به اخفای آن، نمی‌گویم آن می‌آید، اگر در اخبار نبود که آن می‌آید، هر چند به سبب لطف و قتش پنهان است، خبر از آن نمی‌دادم». او سپس، معنای از «خود پنهانش می‌دارم» که بعضی گفته‌اند برای شدت مبالغه است را رد می‌کند و می‌گوید: «وَقِيلَ: مَعْنَاهُ أَكَادُ أَخْفِيهَا مِنْ نَفْسِي، وَلَا دَلِيلَ فِي الْكَلَامِ عَلَيَّ هَذَا اخْذُوفٍ، وَمَحْذُوفٌ لَا دَلِيلَ عَلَيْهِ مَطْرَحٌ... وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ وَسَعِيدِ بْنِ جَبْرِ "أَخْفِيهَا" بِالْفَتْحِ، مِنْ خَفَاهُ إِذَا أَظْهَرَهُ، أَيُّ: قَرَبَ إِظْهَارَهَا كَقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿أَقْتَرَبْتُ السَّاعَةَ﴾» (قمر، ۱). وقد جاء في بعض اللغات: أخفاه بمعنى خفاه. وبه فسّر بيت امرئ القيس:

فَإِنْ تَدْفِنُوا الدَّاءَ لَا نُخْفِيهِ وَإِنْ تَبْعَثُوا الْحَرَبَ لَا نَقْعُدُ

یعنی: «و گفته‌اند حتی از خود نیز، پنهانش می‌سازم و در کلام دلیلی بر این حذف وجود ندارد و محذوفی که دلیلی نداشته باشد، قابل پذیرش نیست. از اَبی الدرداء و سعید بن جبیر نقل شده که «أخفيها» با فتحه از «خفاء» به معنای «أظهره» است، یعنی ظهورش نزدیک شده، مثل کلام خداوند «أفتربت الساعة» و در یکی از لهجه‌ها «أخفاء» به معنای «خفاء» آمده و شعر امرئ القیس را بر اساس آن تفسیر نموده‌اند: اگر شما درد را نهان کنید ما آن را پنهان نمی‌کنیم و اگر شما چنگ به پا کنید ما ساکت نمی‌مانیم».

فخر رازی بعد از ذکر وجوه گوناگون، در نهایت «کاد» را فقط به معنای نزدیکی، بدون نفی و اثبات می‌داند؛ و در این باره می‌گوید: «... أن «كاد» موضوع للمقارن فقط من غير بيان النفي و الإثبات فقوله: ﴿كَادُ أَخْفِيهَا﴾ معناه قرب الأمر فيه من الإخفاء و أما أنه هل حصل ذلك الإخفاء أو ما حصل فذلك غير مستفاد من اللفظ» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۲۲). «کاد» بدون شرح نفی یا اثبات، برای بیان نزدیکی است و کلام خداوند «كَادُ أَخْفِيهَا» نزدیکی اخفا را می‌رساند، اما تحقق یا عدم تحقق آن، از کلام فهمیده نمی‌شود.

ابوحیان اندلسی در تفسیر البحر المحيط پنج وجه برای «كَادُ أَخْفِيهَا» ذکر می‌کند (اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۷: ۳۱۹):

۱. فعل «أخفيها» به معنای سلب «إخفاء» به کار رفته است، یعنی آن را آشکار می‌کنم.

۲. برای شدت کتمان و به معنای حتی از خود نیز پنهانش می‌کنم، می‌باشد.

۳. «كَادُ» به معنای «أريد» (می‌خواهم)، به کار رفته است.

۴. خبر «كاد» محذوف و تقدیر آن: «كَادَ آتِي بِهَا فَأَخْفِيهَا» می‌باشد.

۵. فعل «كاد» زائده است.

علامه طباطبائی نیز به اطلاق اخفاء تفسیر می‌کند و می‌گوید: «وقوله: «كَادَ أَخْفِيهَا» ظاهر إطلاق الإخفاء أن المراد يقرب أن أخفيها وأكتمها فلا أخبر عنها أصلاً حتى يكون وقوعها أبلغ في المباغته وأشد في المفاجأة ولا تأتي إلا فجأة كما قال تعالى: «لا تأتيكم إلا بغتة»: (الأعراف، ۱۸۷)،

أو يقرب أن لا أخبر بما حتى يتميز المخلصون من غيره» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۱۴۲) یعنی: و قول خداوند: «أَكَادُ أَخْفِيهَا» ظاهر اطلاق واژه «إخفاء» دلالت بر این دارد که قصدش آن است که نزدیک است پنهانش کنم و از آن خبر ندهم تا وقوع آن غافلگیرکننده و ناگهانی باشد، چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «لا تأتیکم إلا بغتة» یا نزدیک است از آن خبر ندهم تا مخلصان از غیر آنان شناخته شوند».

۶. معنای آیه برمبنای تحلیل کاربردهای فعل «کاد»

صرف نظر از برداشت‌های گوناگون و گاه ضدّ و نقیض و با توجه به کاربرد فعل «کاد» در زبان عربی و استعمال آن در دیگر آیات قرآن کریم، به نظر می‌رسد معنای عبارت ﴿أَكَادُ أَخْفِيهَا﴾ در آیه شریفه نیز، همان نزدیکی وقوع فعل با وجود عدم تحقق را می‌رساند و این عبارت به معنای: «تقریباً آن را مخفی می‌کنم» می‌باشد. یعنی علائم و نشانه‌های آن آشکار است، پس از این جهت کاملاً نهان نیست و از سوی دیگر، زمان دقیق آن را فقط خداوند متعال می‌داند:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ» (أعراف،

۱۸۷).

(از تو در باره قیامت می‌پرسند [که] وقوع آن چه وقت است. بگو علم آن تنها نزد پروردگار من است. جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند).

پس از این جهت آشکار نیست. بنابراین، بر اساس کاربردهای فعل «کاد»، پدیده قیامت، تقریباً مخفی و تقریباً آشکار است. و این معنا با سیاق عبارت قرآنی کاملاً همخوانی دارد. آیت الله خوئی در این زمینه که مفسر باید بکوشد تا سیاق معمول آیات را مد نظر داشته باشد، جمله‌ای ره‌گشا دارد که ذکر آن در این جا خالی از فایده نیست، او می‌گوید: «علی المفسر أن یجری مع الآیة حیث تجری ویكشف معناها حیث تشير ویوضح دلالتها حیث تدلّ علیه» (خوئی، ۱۳۹۴: ۱۲) (بر مفسر لازم است با آیه آن گونه که

خود آیه می‌رود، برود و معنای آن را آن طور که خود آیه اشاره و دلالت دارد، تفسیر کند).

به نظر می‌رسد هم استعمال فعل «کاد» در زبان عربی و هم کاربرد آن در خود قرآن و هم آیات دیگر درباره وقوع قیامت، همگی مؤید این برداشت است که در آن‌ها قیامت امری دو وجهی، (پنهان- آشکار) شمرده شده است و نکته ظریف در این‌جا، آن است که اگر فعل ﴿أَخْفِيهَا﴾ به معنای سلب اخفاء (آشکار می‌کنم) هم به شمار آید، چنان که بعضی مفسران گرفته‌اند، مفهوم عبارت می‌شود «تقریباً آن را آشکار می‌کنم». با این تحلیل از کاربردهای فعل «کاد»، عبارت ﴿أَكَادُ أَخْفِيهَا﴾ در هر دو صورت، چه فعل «أَخْفِيهَا» به معنای حقیقی آن گرفته شود و چه به معنای سلبی آن، ترجمه عبارت «تقریباً پنهان می‌کنم» یا «تقریباً آشکار می‌کنم» خواهد بود که البته بر اساس آن چه بیان شده وجه اول مرجح است و این معنا با دیگر آیات قرآنی سازگار است که حادثه قیامت را امری هم آشکار و هم پنهان دانسته است. در قرآن کریم دو دسته آیات درباره قیامت وجود دارد که مفهوم «هم آشکار و هم پنهان» آن را تأیید می‌کند و مؤید معنای «تقریباً پنهانش می‌کنم» در عبارت: ﴿أَكَادُ أَخْفِيهَا﴾ در آیه شریفه سوره «طه» (۱۵) می‌باشد (برخی از آیات مربوط به آن در پایان مقاله ذکر شده است).^۲

۷. نتیجه گیری

با توجه به آن چه درباره کاربردهای فعل «کاد» در زبان عربی و در قرآن کریم بیان شد، نتایج زیر به دست می‌آید که پاسخی به این پرسش مقاله است: «بر اساس کاربردهای فعل «کاد»، کدام برداشت از عبارت «أَكَادُ أَخْفِيهَا» در آیه شریفه: ﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتَجْزِيَ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى﴾ (طه، ۱۵) مناسب‌تر است و با مجموعه آیات دیگر هماهنگی بیشتری دارد؟»

با تحلیل کاربردهای فعل «کاد» در زبان عربی و در قرآن کریم و نیز با عنایت به دیگر آیات مربوط به قیامت که پیوسته در قرآن کریم بر دو جنبه آشکار و پنهان آن

تأکید نموده است، به نظر می‌رسد عبارت ﴿كَادُ أَخْفِيهَا﴾ در سوره مبارکه «طه» به معنای «تقریباً آن را مخفی می‌کنم» باشد. با این برداشت، کاربرد فعل «کاد» در این آیه شریفه نیز همان معنای فعل مقاربه را دارد که در حال مثبت، دلالت بر عدم وقوع فعل همراه آن دارد، به این معنا که اگر فعل «أخفیها» بدون «کاد» استعمال می‌شد، دلالت بر اخفای قیامت داشت، اما همراه شدن آن با «کاد» قرب وقوع اخفا و نه تحقق آن را می‌رساند. با این تحلیل از فعل مقاربه‌ای «کاد»، این عبارت قرآنی بیانگر هم آشکار و هم پنهان بودن قیامت است؛ زیرا از یک سو، مظاهر و نمودهای قیامت، از قبیل زنده شدن زمین در بهار و زاد و ولدهای مکرر موجودات زنده، همواره در مقابل چشم بینندگان خودنمایی می‌کند، پس قیامت، از این جهت امری آشکار و قابل مشاهده است؛ اما از سوی دیگر، به جز خداوند حکیم، کسی از زمان وقوع آن خبردار نیست و از چشم همگان پنهان است. بنابراین، از یک لحاظ آشکار و از جهتی پنهان است و با این تحلیل از فعل «کاد» این معنا حاصل می‌گردد که به نظر می‌رسد با دیگر آیات نیز، همخوانی دارد.

۸. پی‌نوشت‌ها

۱. الف- موارد استعمال «کاد» به شکل مثبت در قرآن کریم (عدم وقوع)
در ۱۹ آیه زیر که در آن‌ها فعل «کاد» به صورت مثبت آمده است، فعل قریب الوقوع بوده، اما تحقق خارجی نیافته است:
- ۱- ﴿كَادُ تَمِيزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أَلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ﴾ (ملک، ۱۲).
- ۲- ﴿كَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطَرُونَ﴾ (شوری، ۵).
- ۳- ﴿يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ﴾ (بقره، ۲۰).
- ۴- ﴿كَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطَرُونَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا﴾ (مریم، ۹۰).
- ۵- ﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى﴾ (طه، ۱۵).
- ۶- ﴿يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا﴾ (الحج، ۷۲).

- ۷- ﴿وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (قصص، ۱۰).
- ۸- ﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ﴾ (قلم، ۵۱).
- ۹- ﴿...يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ﴾ (نور، ۴۳).
- ۱۰- ﴿...يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ...﴾ (نور، ۳۵).
- ۱۱- ﴿إِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (فرقان، ۴۲).
- ۱۲- ﴿لَوْلَا أَنْ تَبَتْنَاكَ لَفَدَاكِتَ تَرَكَنَّ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا﴾ (إسراء، ۷۴).
- ۱۳- ﴿وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (أعراف، ۱۵۰).
- ۱۴- ﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِئْنَا إِلَيْكَ لَتَفْتَرِي عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا﴾ (إسراء، ۷۳).
- ۱۵- ﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلافَكَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (إسراء، ۷۶).
- ۱۶- ﴿...الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُفٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه، ۱۱۷).
- ۱۷- ﴿وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا﴾ (الجن، ۱۹).
- ۱۸- ﴿أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ﴾ (زخرف، ۵۲).
- ۱۹- ﴿قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كَذَبْتُ لَتُرْدِينَ﴾ (صافات، ۵۶).
- ب- موارد استعمال «کاد» به شکل منفی در قرآن کریم (وقوع فعل)
- در ۵ آیه زیر، فعل «کاد» به شکل منفی به کار رفته است. در همه این آیات، برخلاف آیات بخش اول، حادثه نزدیک به عدم وقوع بوده، اما با سختی رخ داده است.
- ۱- ﴿حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا﴾ (كهف، ۹۳).
- ۲- ﴿...قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ (بقره، ۷۱).
- ۳- ﴿...فَمَا لَهُؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا﴾ (نساء، ۷۸).

۴- ﴿...ظَلَمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا...﴾ (نور، ۴۰).

۵- ﴿يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ...﴾ (ابراهیم، ۱۷).

۲. الف- در قرآن کریم از یک طرف، زنده شدن در روز قیامت، مانند زنده شدن زمین در بهار شمرده شده و حادثه قیامت یک امر به کلی پنهان که هیچ نشانه و علامتی از ظهور آن در برابر چشم انسان‌ها نباشد، به حساب نیامده است. آیات زیر نمونه‌هایی از این وجه آشکار قیامت است:

۱- ﴿...وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾ ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخَيِّبُ الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ (حج، ۵، ۷).

۲- ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّا نَكْفِيكَ الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُخَيِّبٍ الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (فصلت، ۳۹).

ذکر قیامت و زنده کردن مردگان در کنار بارانی که همه ساله زمین را زنده می‌کند، بیانگر جنبه آشکاری قیامت است که همگان به وضوح آن را مشاهده می‌نمایند.

ب- اما از سوی دیگر و بر اساس آیات دیگر، قیامت از جمله امور غیبی است که فقط خداوند از زمان دقیق وقوع آن با خبر است. آیات زیر، توصیف وجه پنهان قیامت است:

۱- ﴿وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (زخرف، ۸۵).

۲- ﴿يَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُذْرِكُ لَعْلَ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا﴾ (احزاب،

۶۳).

۳- ﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْئَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (اعراف، ۱۸۷).

آیات نوع اول، جنبه عمومی و همیشگی قیامت در زنده شدن مستمر زمین را نشان می‌دهد و آیات دسته دوم، نیمه پنهان و غیبی قیامت را توصیف می‌نماید که به جز خداوند دانا و بینا، کسی از زمان وقوع آن خبر ندارد. بر مبنای این دسته

آیات، به نظر می‌رسد عبارت ﴿أَكَادُ أَخْفِيهَا﴾ در آیه شریفه: ﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لَتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى﴾ (طه، ۱۵) ناظر بر این دو جنبه و به معنای تقریباً «آن را مخفی می‌کنم»، می‌باشد. با این تحلیل هم فعل «کاد» در معنای حقیقی خود به کار رفته است و هم آیه شریفه با دیگر آیات هم‌خوانی کامل دارد. به نظر می‌رسد این برداشت از آیه، با سیاق دیگر آیات و با کاربردهای فعل «کاد» در زبان عربی و در قرآن کریم سازگاری بیشتری دارد.

۹. منابع

- «قرآن کریم».
- «فُحج البلاغة».
- ابن منظور. (۱۹۹۷). «لسان العرب». ط ۲. دارالتراث العربي.
- ابن هشام أنصاری، جمال الدین. (۱۳۷۱). «معنی اللیب عن کتب الأعراب». ط ۶. قم: مکتبه سید الشهداء.
- أبوحيان أندلسی، أثير الدین محمد بن یوسف. (۱۴۲۰). «البحر المحیط فی تفسیر القرآن الکریم». ط ۱. بیروت: دارالفکر.
- خوئی، أبوالقاسم موسوی. (۱۳۹۴). «البیان فی تفسیر القرآن». ط ۳. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- راغب أصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). «المفردات فی غریب القرآن». ط ۱. دمشق و بیروت: الدار الشامیة و دارالعلم.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). «الکشاف فی غوامض التریل». ط ۳. بیروت: دارالکتاب العربي.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۳). «شرح السیوطی». شرح سید صادق شیرازی. ج ۱. ط ۱. قم: دارالإیمان.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷). «لمیزان فی تفسیر القرآن». چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- طبری، أبوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲). «جامع البیان فی تفسیر القرآن». ط ۱. بیروت: دارالمعرفه.

- فخرالدین رازی، أبوعبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰). «مفاتیح الغیب». ط ۳. بیروت: داراحیاء التراث العربی.